



بررسی امکان طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت اجتماعی با تکیه بر مبانی زیبایی شناختی در مقطع دبستان

علیرضا رضایی داودی، ابراهیم آرمند

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

Dabir.rezaee@yahoo.com

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

Ebrahim5347@gmail.com

چکیده

در مسئله تربیت اجتماعی دانش آموزان باید با به کار بستن ساز و کارهای آموزشی و پرورشی در جهت بازیافت فرد در دامنه سنت ها و بسترهای اجتماعی و گزینش موارد معقول و موجه از آنها و غلبه بر خودمحوری، آنها با دیدی زیباشناسانه تربیت نمود. در این پژوهش که از نوع تحقیقات کیفی است این هدف مدنظر است تا مؤلفه های تربیت اجتماعی مبتنی بر مبانی زیبایی شناسی در مقطع ابتدائی مورد بررسی قرار گیرند و لذا اصول، روش، هدف، محتوا و بطور کلی عنصری به عنوان عنصر مطلوب برنامه درسی ارائه نمی شود. لذا از آنجائیکه داده های کمی در این پژوهش مد نظر نیست لذا با روش تجزیه و تحلیل کیفی اطلاعات موجود بدین نتیجه رسیدیم که در تدوین اهداف، محتوا و تبیین روش های تربیت اجتماعی می توان بر مبانی زیبایی شناسی تکیه نمود و برنامه ریزی درسی را به سمت و سوئی هنرمندانه سوق داد و در واقع در درونی سازی آنها در دانش آموزان دوره ابتدائی موفق بود.

کلمات کلیدی: تربیت، تربیت اجتماعی، برنامه درسی، زیبایی شناسی، الگو، قوه خبال.

بیان مساله تحقیق :

در هر جامعه ای، نظام تربیتی می کوشد افرادی تربیت کند که به عنوان عضو مفید و مطلوب جامعه، از ابعاد مختلف فکری، علمی، اخلاقی، مذهبی، عاطفی، اجتماعی، و سیاسی و به بیان ساده تر به صورت همه جانبه رشد یافته باشند. اجتماعی کردن صحیح کودکان و آموزش مهارت‌های لازم به آنان، همواره یکی از اهداف عالی نظام تعلیم و تربیت به شمار می آید، زیرا رشد و اعتلای اجتماعی در سایه اجتماعی شدن به دست می آید و موجب سازگاری و ایجاد ارتباط سالم و صحیح کودکان و نوجوانان با اطرافیان می شود (مذبوحی، ۱۳۹۰، ص ۴). مسئله تربیت اجتماعی بر اساس دو رویکرد عمده و رقیب در مورد انسان تبیین های متفاوتی را می پذیرد. یکی دیدگاهی که فرد و حقوق فردی را در کانون توجه قرار می دهد و اجتماعی بودن آدمی را تابعی از آن می داند. (دیدگاه لیبرال) و دیگری، دیدگاهی که فرد را به خودی خود، امری قابل تصور در نظر نمی گیرد، بلکه وضعیت اجتماعی را مبنا می داند و مسائل فردی و حقوق افراد را چون تابعی از آن لحاظ می کند. (دیدگاه هگل و جماعت گرایان) این دو دیدگاه با نوعی افراط و تفریط همراه است (باقری، ۱۳۸۴، ص ۱۹۶). فتحی (۱۳۸۳) در پژوهشهایی که در زمینه تربیت اجتماعی و به طور خاص مهارتهای ارتباطی و تربیت شهروندی انجام داده است چالش اساسی فراروی نظام آموزشی ایران را تربیت شهروندانی که توانایی مهارتهای حل مسائل زندگی را داشته باشند می داند و بیان می کند که تربیت اجتماعی می تواند زمینه ساز آسایش و رفاه مردم هر کشور شود، سبب ایجاد مشارکت اجتماعی، ارتباطات خویشاوندی، رشد و توسعه اقتصادی، رشد سیاسی و فرهنگی، ارتقا سطح دانش افراد، آشنایی با قوانین و قواعد در سطح جامعه و بین المللی، توجه به میراث فرهنگی و جلوگیری و جلوگیری از خود بیگانگی در برابر سایر فرهنگها می شود.